

## الهدف من الجهاد

### هدف از جهاد

الهدف والغرض من الجهاد في الدين الإلهي الحق والذي قام به الأنبياء والأوصياء عليهم السلام هو هداية الناس إلى الحق وإتباع الحق، فليس غرض الأنبياء هو قتل الناس أياً كان هؤلاء الناس؛ لأنّ الأنبياء يعملون بما يريد الله سبحانه ولو كان الله يريد هلاكهم وقتلهم لما خلقهم، بل سبحانه وتعالى خلقهم ليعبدوه ويدخلوا الجنة.

هدف و غرض از جهاد در دين الهی، «حق» است، و آنچه انبیا و اوصیا عليهم السلام برایش به پا خاسته‌اند، هدایت مردم به سوی حق و پیروی از حق می‌باشد. بنابراین غرض انبیا کشتن مردم نیست؛ این مردم از هر صنف که می‌خواهند باشند؛ زیرا انبیا به هر آنچه خداوند سبحان و متعال می‌خواهد، عمل می‌کنند و اگر خداوند خواستار هلاکت و کشتار آنها می‌بود، آنها را نمی‌آفرید؛ بلکه او سبحان و متعال خلق‌شان فرمود تا عبادتش کنند و وارد بهشت شوند.

فالجهاد في نفسه ليس غرضاً ولا هدفاً للدين الإلهي الحق، بل هو وسيلة لإيصال الحق إلى الناس، ونجد أنّ أهم شروط الجهاد التي لا يصح من دونها هو دعوة الناس إلى الحق والمبالغة في دعوتهم وإيصال الحق لهم بالبلاغ المبين التام.

پس جهاد به خودی خود، غرض و هدفی برای دین الهی حق محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً وسیله‌ای است برای رسانیدن حق به مردم، و می‌بینیم که مهم‌ترین شروط جهاد که بدون آن جهاد جایز نیست، دعوت مردم به سوی حق، اصرار و افراط در دعوت‌شان و رسانیدن حق به آنها با بیان روشن و تمام و کمال است.

ولذا فإنّ الصحيح عندما تجد من يقول لك هذه بلادني مفتوحة لك تعالوا وبلغوا دعوتكم وتحركوا شمالاً وجنوباً وشرقاً وغرباً وادعوا الناس

أقول أنّ الصحيح عندها أن لا ترفع السيف بوجهه، بل تذهب لتدعوا  
إلى الحق وترفع القلم بدلاً عن السيف، قال تعالى:

از این رو، وقتی کسی را می بینی که به شما می گوید بفرمایید، این سرزمین من برای  
شما گشوده است، بیایید و دعوت خود را ابلاغ کنید، به شرق، غرب، شمال و جنوب بروید  
و مردم را دعوت کنید، می گویم درست آن است که شمشیر به رویش نکشی، بلکه بروید  
تا به سوی حق فرا بخوانید و به جای شمشیر، قلم بردارید. حق تعالی می فرماید:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (1).

((و اگر به صلح گرایند، تو نیز به صلح گرای و بر خدا توکل کن که او  
است شنوای دانا)) (۲).

والرسول محمد ﷺ دعا كسرى وقيصر للحق ودين الله سبحانه ولم  
يحمل السيف بوجههم أولاً، بل إن الروم هم من بادروا لحمل السيف  
بوجه الرسول محمد ﷺ .

رسول خدا حضرت محمد ﷺ کسری و قیصر را به حق و دین خداوند سبحان دعوت  
نمود و از همان ابتدا به رویشان شمشیر نکشید، بلکه این رومیان بودند که اقدام به  
کشیدن شمشیر به روی فرستاده‌ی خدا حضرت محمد ﷺ نمودند.

ويجب أن نلتفت الى أن الدين والعقيدة لا يمكن أن تنتشر بالسيف  
كما لا تقتل عقيدة بالسيف؛ ولذا فإنّ منهج جميع الأديان الإلهية ومنها  
خاتمها الإسلام في الدعوة إلى الله هو الحوار والتذكير، بل إنّ وجود  
الكتب السماوية التوراة والإنجيل والقرآن خير دليل على ذلك؛ لأنها كتب  
تفيض حكمة وحواراً ودعوة إلى الله ، وليست سيوفاً تقطر دماً.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که امکان ندارد دین و عقیده با شمشیر منتشر  
شود، همان طور که عقیده با شمشیر کشته نمی شود؛ بنابراین راه و روش همه‌ی ادیان  
الهی -از جمله آخرین شان اسلام- در دعوت به سوی خدا، استفاده از گفت‌وگو و پند و  
اندرز است و وجود کتاب‌های آسمانی تورات، انجیل و قرآن بهترین دلیل بر این مدعا  
است؛ چرا که آنها کتاب‌هایی هستند که از آنها حکمت، گفت‌وگو و دعوت فوران می کند،

1- الأنفال: 61.

2- انفال: ۶۱

نه شمشیرهایی که خون از آنها می چکد!

إذن فالنتيجة التي يجب أن نعرفها كمؤمنين أنّ الهدف من الجهاد هو فتح الأبواب المغلقة للوصول للناس وإيصال الحق لهم وهدايتهم، وليس الهدف من الجهاد قتل الناس، فإذا أمكن أن نصل إلى الناس ونوصل الحق لهم ونهديهم إلى صراط الله المستقيم دونما قتال وإراقة دماء يجب أن نسلك هذا الطريق؛ لأنّ أقل ما فيه الحفاظ على حياة المؤمن.

بنابراین نتیجه‌ای که به عنوان یک مؤمن لازم است بدانیم این است که هدف از جهاد گشودن درهای بسته برای رسیدن به مردم و رسانیدن حق به آنها و هدایت آنها است، و هدف از جهاد کشتن مردم نیست؛ اگر امکان‌پذیر باشد که بدون کشتار و ریختن خون به مردم برسیم و حق را به آنها برسانیم و آنها را به راه مستقیم خدا هدایت کنیم، باید این طریق را پیش گیریم؛ زیرا حداقل مزیتی که دارد حفاظت از زندگی مؤمنان است.

ولابد أن يهيئ كل مؤمن ومؤمنة نفسه للدعوة إلى الحق ودين الله ولابد أن يعمل كل ما في وسعه ليتعلم ويعلم ويدعو إلى الحق ودين الله كما لابد أن يتهيأ للجهاد، فالمؤمن يجب أن يحمل القلم بيد والسيف باليد الأخرى.

لازم است که هر مرد و زن مؤمن خود را برای دعوت به حق و دین خدا مهیا کند و هر چه در توان دارد به کار بندد تا بیاموزد و بیاموزاند، و به سوی دین حق و دین خدا دعوت کند؛ همان‌طور که چاره‌ای ندارد از اینکه خود را برای جهاد آماده کند. بنابراین، مؤمن باید با یک دست قلم و با دستی دیگر، شمشیر بگیرد.

والحق أقول لكم إنّ كثيرين يبحثون عن الحق وكثيرين سيتبعون الحق إن شاء الله حتى في الغرب وفي أمريكا نفسها، فيجب أن نمد أيدينا لانتشالهم من حفر الشيطان التي يرتعون فيها، فأصحاب الدين الإلهي الحق يسعون لهداية الناس وتخليصهم من شبك الشيطان وإنقاذهم من النار ودفعهم إلى الجنة وأبداً لا تجدهم يريدون قتل الناس أو أنهم يختارون القتال، بل هو حالة يضطرون إليها، وإذا أمكن دفعها مع تحقيق مصلحة الدين ونشر تعاليم الله سبحانه لا بد من

السعي إلى دفعها كما فعل رسول الله مع المشركين في الحديدية وكما فعل موسى ع من قبل مع فرعون وقومه في مصر؛ ولهذا فإن ما يطرح عالمياً وتحت مسمى حوار الحضارات هو أمر مقبول عندنا إذا كانوا يطرحونه ليمارسوه فعلاً وحقاً ولكن لنا اختيار آخر للاسم، وهو البحث عن الحضارة لتكون النتيجة هي الوصول إلى الحضارة الإلهية الحقيقية التي توحد الناس وتجمع كلمتهم على مخافة الله سبحانه وتعالى.

و حق را به شما می‌گویم، بسیاری در جست‌وجوی حق هستند و ان شاء الله بسیاری حق را یاری خواهند نمود، حتی در غرب و خود آمریکا. پس باید دست‌ان خود را برای بیرون کشیدن آنها از چاه فراخ شیطان که در آن شادکام هستند، بگشاییم. یاران دین حق الهی برای هدایت مردم و خلاصی آنها از دام‌های شیطان و نجات آنها از آتش و هدایت‌شان به سوی بهشت تلاش می‌کنند، و به هیچ وجه آنها را خواهان کشتار یا اینکه جنگ و پیکار را انتخاب کنند، نخواهید یافت؛ بلکه این وضعیتی است که به آن ناچار می‌شوند؛ و اگر امکان‌پذیر باشد که با حفظ مصلحت دین و گسترش تعالیم خداوند سبحان از این گزینه اجتناب ورزند، باید در این جهت تلاش کنند، همان‌طور که رسول خدا با مشرکان در حدیبیه چنین کرد و همان‌گونه که موسی ع پیش‌تر با فرعون و قومش در مصر انجام داد. به همین دلیل، آنچه امروز در سطح جهان تحت عنوان گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح می‌شود اگر به حق و در عمل به دنبال مطرح کردن و به کار بستنش باشند، از نظر ما موضوعی مقبول و پسندیده است؛ اما ما عنوانی دیگر برای آن برمی‌گزینیم و این عنوان «در جست‌وجوی تمدن» است؛ که نتیجه‌ی آن، رسیدن به تمدن الهی است حقیقی که همه‌ی انسان‌ها را متحد می‌کند و گفتارشان را بر ترس از خداوند سبحان و متعال، گرد می‌آورد.

\* \* \*